



در میانه راه توسعه ایران^۱ از پادشکندگی تا تکرار تاریخی انسداد توسعه

وریا شیرندی^۲، سجاد بهرامی مقدم^۳

چکیده

این مقاله به تحلیل چرایی تداوم توسعه نیافتگی با رویکرد اقتصاد سیاسی ایران می‌پردازد و با تلفیق سه چارچوب نظری، مدلی مفهومی برای تبیین انسداد توسعه ارائه می‌دهد. نخست، نظریه نهادگرایی جدید، بر اهمیت نهادهای رسمی و غیررسمی در شکل‌دهی به مسیر توسعه تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ایران به جای نهادهای فراگیر، درگیر ساختارهای رانتی و انحصاری است. دوم، مفاهیم «پادشکندگی» و «قوه سیاه» از دیدگاه نسیم نیکولاس طالب، چارچوبی برای تحلیل رفتار سیستم‌ها در مواجهه با بحران ارائه می‌دهد؛ در حالی که بسیاری از جوامع از بحران‌ها می‌آموزند و تقویت می‌شوند، ساختار تصمیم‌گیری در ایران در برابر بحران‌ها واکنش انقباضی دارد و نخبگان تصمیم‌گیرنده از تبعات تصمیمات خود مصون‌اند. سوم، تحلیل جامعه‌شناختی علی‌رضا قلی، نشان می‌دهد که چگونه انسداد تاریخی قدرت و حذف نخبگان اصلاح‌طلب، مانع از نهادسازی مدرن و شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در ایران شده است. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ترکیب ناکارآمدی نهادی، غیبت پوست در بازی، اقتصاد رانتی و نخبه‌زدایی تاریخی، موجب شکل‌گیری چرخه‌ای خودتقویت‌شونده از توسعه نیافتگی در ایران شده است. اصلاح این وضعیت مستلزم بازآرایی نهادی، توزیع عادلانه قدرت و شفاف‌سازی مسئولیت تصمیم‌گیرندگان است.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، ایران، نهادگرایی، پادشکندگی، قوه سیاه، انسداد تاریخی،

توسعه نیافتگی.

۱- مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد وریا شیرندی دانشگاه گیلان

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران veryashabrandi@gmail.com

۳- استادیار گروه روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران sajadbahrami@gmail.com



مقدمه و طرح مسأله

توسعه نیافتگی در ایران نه یک بحران مقطعی یا نتیجه خطاهای سیاستی محدود، بلکه نتیجه پیوند پیچیده و تاریخی ساختار قدرت، نهادهای ناکارآمد، و فرهنگ سیاسی بازتولیدگر است. ایران معاصر، علی رغم برخورداری از منابع طبیعی فراوان، سرمایه انسانی قابل توجه و سابقه تمدنی کهن، هنوز در مرحله‌ای از انسداد نهادینه شده گرفتار مانده که مسیر توسعه پایدار را برایش مسدود کرده است. در حالی که بسیاری از کشورها در دهه‌های اخیر موفق شده‌اند با اصلاحات نهادی و بازتوزیع قدرت، از وضعیت توسعه نیافتگی عبور کنند، ایران همچنان در چرخه‌ای گرفتار است که در آن بحران‌ها نه به اصلاح، بلکه به تمرکز بیشتر قدرت می‌انجامند.

مطالعه این چرخه تنها از طریق تحلیل اقتصادی کلاسیک ممکن نیست؛ بلکه نیازمند تلفیق نظریه‌های نهادی، جامعه‌شناسی قدرت، و تحلیل ساختاری از واکنش سیستم‌ها به بحران‌هاست. در این چارچوب، سه نظریه می‌توانند شناخت عمیق‌تری از وضعیت توسعه نیافتگی ایران فراهم کنند: نظریه نهادگرایی داگلاس نورث، نظریه پادشکنندگی و «پوست در بازی» نسیم نیکولاس طالب، و تحلیل جامعه‌شناختی انسداد تاریخی قدرت از منظر علی رضا قلی.

داگلاس نورث تأکید دارد که توسعه اقتصادی زمانی رخ می‌دهد که نهادهای رسمی و غیررسمی به گونه‌ای عمل کنند که انگیزه‌های تولید، رقابت، نوآوری و مشارکت عمومی تقویت شوند. در مقابل، نهادهای استثماری که منابع را در اختیار گروهی خاص نگه می‌دارند، مسیر توسعه را مسدود می‌کنند. تاریخ معاصر ایران چه در دوران پهلوی و چه پس از انقلاب نشان داده که علی‌رغم برخی اصلاحات ظاهری، ساختار نهادهای سیاسی و اقتصادی کشور بر پایه انحصار، رانتیسم و حذف رقبا باقی مانده است.

از سوی دیگر، نسیم نیکولاس طالب با معرفی مفهوم «پادشکنندگی»، چارچوبی جدید برای تحلیل پایداری سیستم‌ها در برابر بحران‌ها ارائه می‌دهد. به زعم او، سیستم‌هایی که از بحران‌ها یاد نمی‌گیرند و در برابر آن‌ها انقباض پیدا می‌کنند، نه تنها اصلاح نمی‌شوند بلکه شکننده‌تر می‌شوند. در ایران، نه تنها بحران‌هایی مانند جنگ، تحریم، سقوط ریال، یا ناکارآمدی مدیریتی منجر به

اصلاح نشده‌اند، بلکه فرصت‌هایی برای تمرکز بیشتر قدرت و گسترش نهادهای غیردموکراتیک ایجاد کرده‌اند. به علاوه، در سیستم تصمیم‌گیری ایران، «پوست در بازی» وجود ندارد؛ یعنی نخبگان از تبعات تصمیمات خود مصون‌اند و هزینه‌ها را مردم می‌پردازند.

تحلیل علی‌رضا قلی این واقعیت را تکمیل می‌کند. او با بررسی تاریخی ساختار قدرت در ایران نشان می‌دهد که هرگاه فرصتی برای تحول نهادی ایجاد شده، نخبگان تحول‌خواه یا سرکوب شده‌اند یا جذب ساختار قدرت شده‌اند. حذف روشنفکران مشروطه، پاک‌سازی‌های دهه شصت، و سرکوب جنبش‌های اصلاح‌طلبانه در دهه‌های اخیر، همگی نشانه‌هایی از یک منطق سیستماتیک نخبه‌زدایی هستند که اجازه چرخش نخبگان و نوسازی ساختار را نمی‌دهد.

سوال پژوهش

مسئله محوری این پژوهش، بررسی چرایی و چگونگی تداوم توسعه‌نیافتگی در ایران به مثابه یک وضعیت نهادینه‌شده و بازتولیدشونده است. سؤال اصلی آن است که چه سازوکارهای نهادی، ساختاری و فرهنگی موجب شده‌اند بحران‌های پیاپی نه به اصلاحات ساختاری، بلکه به تمرکز هرچه بیشتر قدرت، حذف نخبگان و استمرار انسداد منجر شوند. پژوهش با تلفیق سه چارچوب نظری نهادگرایی داگلاس نورث، نظریه پادشکندگی و پوست در بازی نسیم نیکولاس طالب، و تحلیل انسداد تاریخی قدرت از منظر علی‌رضا قلی در پی تحلیل این است که چگونه نهادهای استثماری، فرهنگ سیاسی بازتولیدگر و غیبت پاسخ‌گویی نهادی، مسیر توسعه در ایران را مسدود کرده‌اند. این تحلیل به دنبال تبیین سازوکارهای بازتولید وضعیت موجود، و علل ناکامی در گذار به نظامی پادشکننده، مشارکت‌پذیر و تحول‌پذیر است.

در چنین شرایطی، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چرا چرخه توسعه‌نیافتگی در ایران پس از انقلاب، با وجود فرصت‌های متعدد اصلاح، تداوم یافته است؟ و چگونه می‌توان با تلفیق سه چارچوب نظری یادشده، الگویی تحلیلی برای فهم این انسداد ارائه کرد؟

پاسخ به این پرسش مستلزم رویکردی میان‌رشته‌ای و تاریخی است. در این مقاله، تلاش می‌شود با مرور سیر تحولات نهادی ایران پس از انقلاب، تحلیل واکنش نظام تصمیم‌گیری به



بحران‌های بزرگ، و بررسی منطق حذف نخبگان، چارچوبی برای درک چرخه انسداد توسعه ارائه شود. هدف نهایی، یافتن مسیریایی برای شکستن این چرخه و ارائه چشم‌اندازی برای بازسازی نهادی و پادشکننده‌سازی نظام تصمیم‌گیری در ایران معاصر است.

ادبیات موضوع

ادبیات مرتبط با توسعه اقتصادی-سیاسی و بررسی علل ناکامی یا موفقیت کشورها را می‌توان در دو دسته کلان بررسی کرد: نخست، دیدگاه‌های نظریه‌پردازان بین‌المللی با رویکرد نهادگرایی و عوامل ساختاری، و دوم، تحلیل‌های داخلی که بر زمینه تاریخی و فرهنگی ایران متمرکزند. در میان منابع خارجی، کتاب چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ اثر عجم‌اوغلو و راینسون (عجم‌اوغلو: ۱۳۹۴) با رویکرد نهادگرایی سیاسی بر آن است که ناکامی توسعه عمدتاً ناشی از استقرار نهادهای استثماری است که از دل نهادهای سیاسی غیردموکراتیک و انحصاری زاده می‌شوند. این چرخه‌ی نهادی، مانعی در برابر شکل‌گیری نهادهای فراگیر و توسعه‌محور است. برخلاف این دیدگاه، جرد دایموند در کتاب اسلحه، میکروب و فولاد با رویکردی زیست‌محیطی، تأکید دارد که تفاوت در مسیرهای توسعه تمدن‌ها بیش از آنکه به فرهنگ یا نهادهای سیاسی وابسته باشد، به موقعیت جغرافیایی، اقلیم، منابع طبیعی و قابلیت زیستی مناطق مختلف مربوط است. (دایموند: ۱۳۹۶).

در امتداد این رویکردهای کلان، نسیم نیکولاس طالب در کتاب پادشکنندگی^۱ نظریه‌ای کل‌نگر درباره سیستم‌هایی ارائه می‌دهد که نه تنها در برابر بحران و بی‌ثباتی مقاوم‌اند، بلکه از دل آشوب رشد می‌کنند. این رویکرد در مطالعه توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها اهمیت دارد، (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲) زیرا نشان می‌دهد که برخی جوامع به‌جای فروپاشی در برابر شوک‌های نهادی، با طراحی سازوکارهای پویا و منعطف، تاب‌آوری بلندمدتی از خود نشان می‌دهند. در واقع، توسعه زمانی پایدار می‌ماند که سیستم سیاسی-اقتصادی بتواند از بحران‌ها بیاموزد و ساختار خود را بازسازی کند.

۱. Antifragile

از سوی دیگر، مفهوم قدرت سیاه یا قوه سیاه که در ادبیات مقاومت و نظریه‌های انتقادی قدرت مطرح شده (با ریشه‌هایی در آموزه‌های مارکوس گاری و رویکردهای فرهنگی-سیاسی متأخر)، به سازوکارهایی اشاره دارد که در آن جوامع تحت سلطه، به واسطه بازتعریف نمادها، روایت‌ها و فرهنگ خود، نوعی قدرت نرم و پنهان برای مقاومت و بقا ایجاد می‌کنند. در زمینه کشورهای در حال توسعه، این مفهوم به فهم بهتر فرآیندهای مقاومت فرهنگی، حفظ هویت و مبارزه غیررسمی با نهادهای بهره‌کش کمک می‌کند. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

در ادبیات داخلی، علی رضاقلی در کتاب اگر نورث ایرانی بود با بهره‌گیری از اندیشه‌های نورث، بر وجود تاریخی نهادهای غارتی در ایران تأکید دارد؛ نهادهایی که نه تنها در خدمت توسعه نبوده‌اند، بلکه با غلبه بر منطق تولید، به بازتولید چرخه‌ی عقب‌ماندگی منجر شده‌اند. او در کتاب سراب‌گرایی صنعتی در نظام قبایلی ایران نیز به نقش فرهنگ ایلی-قبیله‌ای و عدم آگاهی عمومی از واقعیت‌های اقتصادی-سیاسی در ناکامی ایران در مسیر نوسازی می‌پردازد. (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۱۰۱)

همایون کاتوزیان در کتاب ایرانیان نیز با رویکردی تطبیقی، ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی مانند ساختار استبدادی، ناپایداری نهادها، و گسست‌های مکرر تاریخی را بررسی کرده و آنها را با جوامع غربی مقایسه می‌کند. (کاتوزیان: ۱۴۰۲: ۶۱)

در مجموع، نظریه‌پردازان خارجی با تأکید بر عوامل نهادی، جغرافیایی و سیستماتیک، و اندیشمندان داخلی با تمرکز بر ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران، هر یک از زاویه‌ای خاص به تبیین دلایل توسعه‌نیافتگی پرداخته‌اند. افزوده شدن مفاهیم پادشکندگی و قدرت سیاه، افق‌های تحلیلی نوینی برای درک تاب‌آوری یا شکندگی ساختارهای اجتماعی-سیاسی و امکان مقاومت در برابر استیلا و شکست فراهم می‌سازد.

چارچوب نظری

ادبیات توسعه سیاسی و اقتصادی در دهه‌های اخیر، تأکید فزاینده‌ای بر نقش نهادها، فرهنگ سیاسی، ساختارهای قدرت و واکنش سیستم‌ها به بحران‌ها دارد. نظریه‌پردازان مختلف از زاویه‌های



گوناگون به توضیح چرایی شکست برخی جوامع در مسیر توسعه و موفقیت برخی دیگر پرداخته‌اند. در این مقاله، سه چارچوب نظری مکمل به منظور درک انسداد توسعه در ایران معاصر انتخاب شده‌اند: نهادگرایی تاریخی، نظریه پادشکندگی نسیم نیکولاس طالب، و جامعه‌شناسی تاریخی انسداد قدرت از منظر علی‌رضا قلی. (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۱۰۱) (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

برای تحلیل توسعه‌نیافتگی با رویکرد اقتصاد سیاسی ایران، نمی‌توان تنها به متغیرهای اقتصادی یا سیاسی مستقل اکتفا کرد، بلکه باید به ساختارهای نهادی، تاریخ قدرت، رفتار نخبگان و منطق بازتولید بحران نیز توجه داشت. از این رو، رویکرد این مقاله بر تحلیل میان‌رشته‌ای و تلفیقی استوار است که سه نظریه مهم را در هم می‌تند: نظریه نهادگرایی تاریخی و وابستگی به مسیر از داگلاس نورث، نظریه پادشکندگی و پوست در بازی از نسیم نیکولاس طالب، و تحلیل انسداد قدرت و نخبه‌زدایی از علی‌رضا قلی.

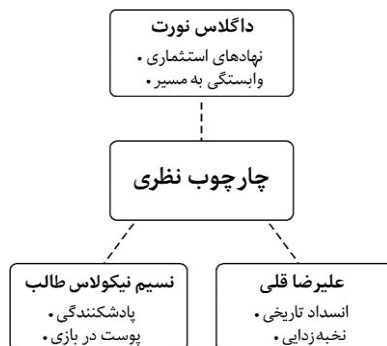
ترکیب این سه نظریه، یک چارچوب تحلیلی چندسطحی فراهم می‌آورد که توسعه‌نیافتگی را نه تنها به عنوان یک پدیده اقتصادی یا مدیریتی، بلکه به مثابه پیامد نهادهای رانتی، قدرت بدون پاسخ‌گویی، و حذف نخبگان مستقل تحلیل می‌کند. این چارچوب در پاسخ به پرسش اصلی مقاله شکل می‌گیرد: چرا ایران در مواجهه با بحران‌ها نتوانسته از آن‌ها برای بازسازی و اصلاح استفاده کند و در عوض به بازتولید ناکارآمدی‌های تاریخی دامن زده است؟ (شیرندی: ۱۴۰۰)

نظریه داگلاس نورث به ما امکان می‌دهد نهادها را به عنوان ساختارهای تاریخی حافظ منافع گروه‌های خاص ببینیم که در طول زمان، انتخاب‌های آینده را مقید می‌سازند و مسیر توسعه را به سمت تکرار می‌برند. از سوی دیگر، نظریه پادشکندگی طالب ما را به سوی تحلیل نحوه واکنش ساختارها به بحران‌ها هدایت می‌کند؛ و نظریه «پوست در بازی» او، ضعف سازوکارهای پاسخ‌گویی را افشا می‌سازد. در نهایت، تحلیل تاریخی علی‌رضا قلی، چرایی و چگونگی حذف نخبگان و تداوم انسداد قدرت در تاریخ ایران را روشن می‌سازد، (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

تحلیل توسعه‌نیافتگی با رویکرد اقتصاد سیاسی ایران نیازمند چارچوبی نظری چندلایه است که از سطح ساختارهای نهادی تاریخی تا منطق کنش قدرت و پاسخ‌گویی نخبگان را در برگیرد. این

مقاله با تلفیق سه نظریه کلیدی تلاش می‌کند فهمی جامع از چرخه انسداد توسعه در ایران ارائه دهد. این سه نظریه عبارت‌اند از:

- ۱- نظریه نهادهای استثماری و وابستگی به مسیر از داگلاس نورث (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵)
- ۲- نظریه پادشکندگی و پوست در بازی از نسیم نیکولاس طالب. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)
- ۳- تحلیل انسداد تاریخی و نخبه‌زدایی از علی رضاقلی (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۱۰۱)



این ترکیب نظری به ما امکان می‌دهد تا ریشه‌های تاریخی، سازوکارهای معاصر و موانع نهادی توسعه را با نگاهی ساختاری و پویا محور بررسی کنیم.

۱-۴- نهادگرایی تاریخی^۱

نهادگرایان جدید از جمله داگلاس نورث، عجم‌اوغلو و راییشون، بر این باورند که تفاوت در مسیر توسعه کشورها عمدتاً ناشی از نوع نهادهایی است که در طول زمان شکل گرفته‌اند. نورث معتقد است که نهادها به عنوان قواعد بازی، تعیین‌کننده انگیزه‌ها، رفتارها و الگوهای کنش جمعی هستند. (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵) او بین نهادهای فراگیر^۲ که مشارکت، شفافیت و رقابت را تسهیل می‌کنند، و نهادهای استثماری^۳ که منابع را در اختیار اقلیت‌های مسلط قرار می‌دهند، تمایز قائل است. (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۱۰۱)

۱- Historical Institutionalism

۲- Inclusive Institutions

۳- Extractive Institutions



عجم اوغلو و رابینسون این دیدگاه را توسعه داده و استدلال می کنند که نهادهای سیاسی و اقتصادی استثماری نه تنها مانع رشد می شوند، بلکه با حفظ ساختار تمرکز قدرت، توان هرگونه اصلاح درونی را از سیستم می گیرند. ایران از منظر این دیدگاه، نمونه ای از تداوم تاریخی نهادهای استثماری است. از دوره قاجار تا پهلوی و سپس در جمهوری اسلامی، نهادهایی که بر تمرکز قدرت، انحصار منابع و حذف رقبا مبتنی اند، فرصت شکل گیری نهادهای فراگیر را از بین برده اند.

۴-۲- پادشکنندگی و پوست در بازی

نسیم نیکولاس طالب، نویسنده و نظریه پرداز ریسک و عدم قطعیت، در آثار خود به ویژه «پادشکننده» (Antifragile) و «پوست در بازی» (Skin in the Game) مفاهیمی بنیادین برای تحلیل سیستم ها و ساختارها در مواجهه با بحران ها مطرح می کند. در نظریه طالب، دو مفهوم مرکزی وجود دارد: «پادشکنندگی» که ناظر بر توانایی رشد از دل بی نظمی است، و «پوست در بازی» که به مسئولیت پذیری تصمیم گیرندگان اشاره دارد. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

۴-۳- پادشکنندگی در مقابل شکنندگی ساختاری

طالب با واژگانی تازه، مفاهیمی متفاوت از مقاومت (resilience) یا استحکام (robustness) را به میدان می آورد. او معتقد است پادشکننده، سیستمی است که از بحران ها، شوک ها و بی نظمی ها نه تنها آسیب نمی بیند، بلکه قوی تر می شود. در مقابل، ساختار شکننده، در برابر ناملایمات آسیب پذیر است و ساختار مقاوم فقط بقا دارد اما یاد نمی گیرد. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

ایران از منظر طالب، در دوره های مختلف تاریخی از جمله پس از انقلاب ۱۳۵۷، در دوران جنگ تحمیلی، تحریم های اقتصادی، اعتراضات اجتماعی و بحران های زیست محیطی بارها در معرض شوک های ساختاری قرار گرفته، اما به ندرت از این بحران ها برای نوسازی نهادی یا یادگیری ساختاری استفاده کرده است. این فقدان یادگیری، نشانه ای از ساختارهای شکننده ای است که نه می خواهند و نه می توانند تغییر یابند.

۴-۴- توسعه نیافتگی به مثابه ضد پادشکنندگی

در چارچوب طالب، توسعه نیافتگی ایران را می توان به عنوان نمونه ای از ضد پادشکنندگی

تحلیل کرد: ساختاری که در مواجهه با بحران‌ها، به جای بازسازی خود، واکنش تدافعی نشان می‌دهد و تلاش می‌کند وضعیت پیشین را حفظ یا تثبیت کند. نظام سیاسی و اقتصادی ایران، از انقلاب اسلامی تا کنون، به جای بهره‌گیری از فرصت‌های بحران، ساختار قدرت را متمرکزتر، نهادهای مدنی را محدودتر و اقتصاد را رانته‌تر کرده است. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

۴-۵- پوست در بازی و مسئولیت تصمیم‌گیرندگان

نظریه «پوست در بازی» طالب، بر این اصل استوار است که افراد و نهادهایی که تصمیم‌گیری می‌کنند، باید مستقیماً در معرض پیامدهای تصمیمات خود قرار گیرند. در غیاب این اصل، ساختارها مستعد فساد، ناکارآمدی، بی‌عدالتی و گسست مشروعیت می‌شوند. این نظریه در نقد الیگارش، بوروکراسی بدون مسئولیت و ساختارهای قدرت مصون از پاسخ‌گویی، کاربرد وسیعی دارد. در ایران، بسیاری از تصمیمات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توسط نخبگانی گرفته می‌شود که پیامدهای زیان‌بار آن‌ها را مستقیماً تجربه نمی‌کنند. از تخصیص منابع در ارز ترجیحی گرفته تا سیاست‌های ارزی، واگذاری‌های شبه‌خصوصی، و تصمیمات امنیتی، اغلب نخبگان سیاسی و اقتصادی از تبعات مستقیم آن‌ها در امان‌اند؛ در حالی که مردم عادی، آسیب‌پذیرترین قشر هستند. این شکاف، به‌زعم طالب، بزرگ‌ترین خطر برای پایداری سیستم‌هاست. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

۴-۶- فروپاشی ساختار اعتماد و پیامدهای ضدپادشکندگی

فقدان «پوست در بازی» در کنار شکندگی ساختاری، باعث فروپاشی سرمایه اجتماعی و گسترش بی‌اعتمادی نهادی شده است. در جامعه‌ای که مسئولان در برابر عملکرد خود پاسخ‌گو نیستند، امید به اصلاح از درون از بین می‌رود. به‌جای مشارکت، جامعه به انفعال، بی‌اعتمادی و کناره‌گیری سیاسی روی می‌آورد؛ فرآیندی که در ادبیات توسعه به عنوان «انسداد مشارکت» شناخته می‌شود. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

طالب در آثار خود به‌ویژه در کتاب‌های «پادشکننده» و «پوست در بازی»^۱، مدلی نظری برای تحلیل ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهد که بر اساس آن، سیستم‌هایی که در



معرض خطر، شوک و بحران قرار می گیرند، باید بتوانند از این شرایط یاد بگیرند و قوی تر شوند. در غیر این صورت، ساختار آن ها شکننده باقی می ماند و هر شوک، گامی به سوی فروپاشی خواهد بود. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

از سوی دیگر، نظریه «پوست در بازی» اشاره دارد به اینکه نخبگان و تصمیم گیرندگان باید خود نیز در معرض تبعات تصمیمات شان باشند. در غیر این صورت، انگیزه ای برای دقت، صداقت و اصلاح نخواهند داشت. ایران از منظر طالب، ساختاری فاقد پوست در بازی و بدون ظرفیت پادشکنندگی است. سیاست گذاران غالباً از آثار تصمیمات خود مصون اند؛ بحران ها نه به یادگیری نهادی، بلکه به تمرکز بیشتر قدرت منجر شده اند. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

۴-۲- انسداد تاریخی قدرت و نخبه کشی رضاقلی

تحلیل علی رضا قلی، چارچوب جامعه شناختی برای درک چرایی تکرار انسداد در تاریخ معاصر ایران فراهم می کند. او با بررسی تطبیقی دوره های تاریخی همچون مشروطه، پهلوی اول و دوم، و جمهوری اسلامی، نشان می دهد که قدرت در ایران، به جای آنکه مبتنی بر مشارکت عمومی باشد، بر حذف، ترس و پاک سازی نخبگان استوار بوده است. (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۱۰۱)

این انسداد تاریخی باعث شده دولت مدرن در ایران شکل نگیرد، طبقه متوسط مستقل ضعیف باقی بماند، و جامعه مدنی سازمان نیافته بماند. به زعم رضاقلی، چرخه «نخبه زدایی» و «انحصار گرایی» مانع از هرگونه تحول نهادی است. حتی اصلاح طلبان نیز یا حذف شده اند یا جذب ساختار موجود شده اند.

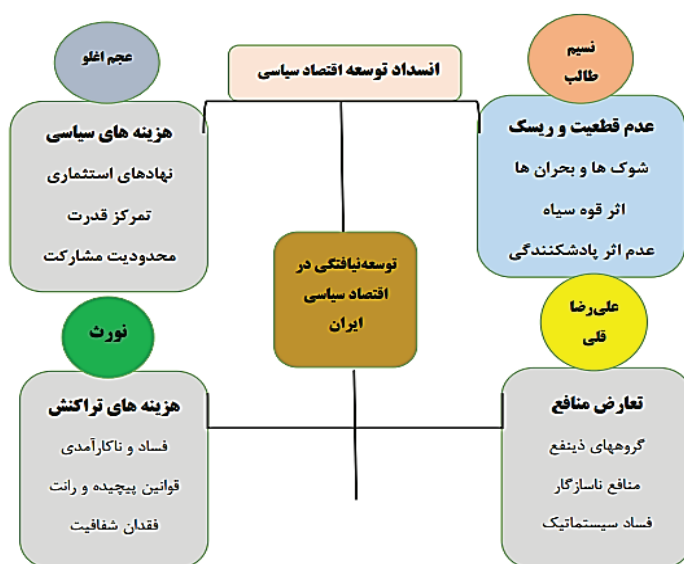
جدول شماره ۱

نظریه پرداز	مفهوم کلیدی	کاربرد در ایران معاصر
داگلاس نورث	نهادهای استثماری، وابستگی به مسیر	استمرار ساختارهای غیردموکراتیک و رانتی
نسیم طالب	پادشکنندگی، پوست در بازی	مصونیت تصمیم گیرندگان، مقاومت در برابر اصلاح
علی رضاقلی	انسداد تاریخی، نخبه کشی	حذف نخبگان تحول خواه و تداوم ساختار قدرت متمرکز

جمع‌بندی نظری

ترکیب این سه چارچوب نظری، به ما اجازه می‌دهد تا چرخه انسداد توسعه در ایران را به مثابه فرآیندی ساختاری، بازتولیدشونده و تاریخی درک کنیم. نهادهای استثماری (نورث)، واکنش انقباضی به بحران و مصونیت نخبگان (طالب)، و منطق حذف نخبگان و سرکوب مشارکت (رضاقلی)، سه ضلع یک ساختار پیچیده انسداد هستند که مسیر توسعه در ایران را مسدود کرده‌اند. (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵) (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

جدول شماره ۲



۱- نوآوری پژوهش:

نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه یک چارچوب نظری تلفیقی میان سه سطح تحلیلی- ساختار نهادی (داگلاس نورث)، پویایی سیستم در برابر بحران (نسیم طالب) و رفتار قدرت در حذف نخبگان (رضاقلی) نهفته است. در حالی که اغلب پژوهش‌های پیشین به یکی از این سطوح تمرکز داشته‌اند، این مقاله با ترکیب آن‌ها، الگویی علی و چندسطحی برای تبیین توسعه‌نیافتگی ایران ارائه می‌دهد. همچنین با تکیه بر مفاهیم نوینی چون پادشکستگی و «پوست در بازی»، امکان تحلیل پویاتری از چرخه مقاومت نهادی و فرهنگی در برابر اصلاح ساختاری فراهم شده است.



۲- روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی و نظری بوده و بر مبنای تحلیل تطبیقی مفهومی است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی، تحلیل منابع کتابخانه‌ای و بررسی آثار نظری سه متفکر اصلی داگلاس نورث، نسیم نیکولاس طالب و علی‌رضا قلی گردآوری شده‌اند. رویکرد پژوهش مبتنی بر «نظریه پردازی انتقادی» است و هدف آن، تبیین چرایی و چگونگی تداوم توسعه نیافتگی در ایران از خلال تلفیق چارچوب‌های نهادی، تاریخی و سیستمی است. این مقاله با استفاده از روش «تحلیل مضمون»^۱ و رویکرد «تحلیل علی»^۲ تلاش می‌کند سازوکارهای بازتولید انسداد توسعه را در نسبت با بحران‌پذیری، تمرکز قدرت، و نهادهای استثماری شناسایی و صورت‌بندی کند.

۳- یافته‌های پژوهش

تحلیل تاریخی چرخه توسعه نیافتگی در ایران معاصر

تحلیل تاریخی توسعه نیافتگی در ایران معاصر از منظر نظریات نهادی و پادشکنندگی، ما را با الگوهایی مواجه می‌کند که نشان‌دهنده تکرار بحران، انسداد نهادی و بازتولید انحصار قدرت هستند. برای درک بهتر این چرخه، بررسی رویدادها و ادوار کلیدی پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ضروری است؛ زیرا بسیاری از شاخص‌های توسعه یا انسداد در این دوران شکل گرفته یا تثبیت شده‌اند. در این بخش، با تکیه بر نظریه‌های نورث، طالب و رضا قلی، به تحلیل پنج مقطع کلیدی در تاریخ معاصر ایران می‌پردازیم: انقلاب ۱۳۵۷، جنگ ایران و عراق، دولت سازندگی، دولت اصلاحات، و دهه ۱۳۹۰ تا امروز. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۲)

۱-۲- انقلاب ۱۳۵۷: فرصت برای نهادسازی، اما بازگشت به تمرکز

انقلاب ۵۷ را می‌توان یک لحظه نادر در تاریخ ایران دانست؛ فرصتی که در آن، انسداد سنتی قدرت می‌توانست جای خود را به نظم نهادین بدهد. مشارکت گسترده مردم، اجماع بر ضرورت

۱- Thematic Analysis

۲- Causal Analysis

تغییر، و فروپاشی ساختار پادشاهی، امکان بازسازی نهادهای سیاسی و اقتصادی را فراهم کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۲)

با این حال، پس از پیروزی، ساختار قدرت به سرعت به سمت تمرکزگرایی حرکت کرد. نهادهای انقلابی موازی با ساختار رسمی ایجاد شدند (سپاه، شوراهای انقلاب، دادگاه‌های ویژه)، و بسیاری از نهادهای منتخب به حاشیه رانده شدند. به زعم نورث، به جای ایجاد نهادهای فراگیر، «نظم محدود» جدیدی شکل گرفت که در آن دسترسی به قدرت، منابع و فرصت‌ها، تنها از طریق وفاداری به مرکز قدرت ممکن بود. (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵)

از منظر طالب، بحران‌ها می‌توانستند به پادشکندگی منجر شوند، اما سیستم به جای یادگیری از آنها، واکنش انقباضی نشان داد. همچنین، تصمیم‌گیران اولیه از تبعات تصمیمات خود مصون بودند؛ پوست در بازی واقعی تنها برای بدنه جامعه وجود داشت. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

۲-۲- دوران جنگ (۱۳۵۹-۱۳۶۷): تثبیت ساختار رانتی-امنیتی

جنگ با عراق، فرصت‌های سیاسی و نهادی را برای بازسازی مشارکتی ساختار سیاسی به تعویق انداخت. در عوض، تمرکز قدرت تشدید شد، نهادهای نظامی-ایدئولوژیک در مرکز تصمیم‌گیری قرار گرفتند و ساختار رسمی حکومت عملاً به سوی یک نظم امنیتی رانتی سوق یافت. از منظر رضاقلی، جنگ بستری شد برای حذف و پاک‌سازی نخبگان مستقل یا منتقد. بسیاری از نخبگان انقلابی، روشنفکران، فعالان سیاسی و اقلیت‌های فکری، یا کنار گذاشته شدند یا با خشونت سرکوب شدند. این فرآیند، چرخه نخبه‌زدایی را تشدید کرد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۲)

۳-۲- دولت سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶): توسعه اقتصادی بدون نهادسازی

با پایان جنگ، فرصتی برای بازسازی اقتصادی و نهادی پدید آمد. دولت هاشمی رفسنجانی سیاست‌های نوسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، و بازسازی زیرساخت‌ها را آغاز کرد. با این حال، این تحولات عمدتاً در غیاب نهادهای شفاف، رقابتی و پاسخ‌گو انجام شد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۲)

مطابق با تحلیل نورث، اصلاحات اقتصادی بدون اصلاحات نهادی، زمینه‌ساز فساد ساختاری، انحصار اقتصادی و رانتیسم گسترده شد. نخبگان جدید اقتصادی از دل ساختار قدرت برآمدند و



ارتباط نزدیکی با دولت داشتند. از منظر طالب، بحران‌های اقتصادی دهه ۷۰ (تورم، بیکاری، بحران مسکن) می‌توانستند منجر به اصلاحات نهادی شوند، اما پاسخ دولت انقباضی بود و باز هم پوست در بازی تصمیم‌گیران وجود نداشت.

۷-۴- دولت اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۴): شکاف نهادهای رسمی و موازی

پیروزی اصلاح‌طلبان و مشارکت گسترده مردم، امیدی برای توسعه نهادهای دموکراتیک ایجاد کرد. با این حال، نهادهای غیررسمی و موازی (شورای نگهبان، نهادهای امنیتی، صداوسیما) مانع اصلی تحقق نهادهای فراگیر بودند. از نگاه نورث، ایران وارد یک مرحله «دوگانگی نهادی» شد؛ نهادهای منتخب در ظاهر فعال، اما بدون اختیار واقعی. به‌زعم رضا قلی، اصلاح‌طلبان نیز قربانی همان چرخه نخبه‌زدایی شدند؛ یا حذف شدند یا جذب ساختار قدرت. طالب نشان می‌دهد که اصلاحات بدون همراهی ساختار رسمی، به دلیل نبود پوست در بازی در لایه‌های بالا، نمی‌تواند به پایداری برسد. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲) (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۴۲)

۷-۶- دهه ۱۳۹۰ تا امروز: انسداد کامل و فروپاشی نهادی

تحریم‌های گسترده، بحران ارز، نارضایتی‌های گسترده اجتماعی و تضعیف نهادهای انتخابی، تصویری از ایران امروز را شکل داده‌اند. ساختار قدرت بیش از هر زمان دیگر در کنترل نهادهای غیرپاسخ‌گو قرار گرفته و فرآیند نهادزدایی شدت یافته است. فساد گسترده، گسترش نابرابری، سقوط طبقه متوسط، و بی‌اعتمادی عمیق به نهادها، نشان‌دهنده ورود ایران به مرحله‌ای از فروپاشی نهادی است. در چنین شرایطی، نظریات نورث، طالب و رضا قلی نشان می‌دهند که مسیر خروج از انسداد توسعه نه از طریق اصلاحات سطحی، بلکه از طریق شکستن ساختارهای تمرکزگرا، بازسازی پوست در بازی برای نخبگان، و احیای نهادهای مستقل امکان‌پذیر است.

۴- تحلیل ساختاری چرخه انسداد توسعه در ایران

تحلیل ساختاری چرخه انسداد توسعه در ایران، ما را به بررسی لایه‌های عمیق‌تری از روابط قدرت، منطق عملکرد نهادها، و سازوکارهای بازتولید انحصار سیاسی و اقتصادی هدایت می‌کند. برخلاف نگاه‌های ساده‌انگارانه که توسعه‌نیافتگی را به ناکارآمدی مدیریتی یا تحریم‌های خارجی

محدود می‌کنند، این تحلیل نشان می‌دهد که ریشه‌های انسداد توسعه در ایران، ساختاری، پایدار و بازتولیدشونده‌اند. (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵)

در این بخش، بر پایه نظریه‌های نورث، طالب و رضا قلی، منطق درونی و سیستماتیک انسداد را از طریق سه محور بررسی می‌کنیم: نهادهای استثماری و انحصاری، مصونیت نخبگان (فقدان پوست در بازی)، و نخبه‌زدایی تاریخی.

۸-۱- نهادهای استثماری و اقتصاد رانتی

در ایران، نهادهای اقتصادی غالباً در راستای تمرکز منابع و فرصت‌ها در اختیار گروه‌های خاص بوده‌اند. از انحصار در واردات و صادرات گرفته تا توزیع رانت‌های ارزی، نفتی و مالی، شاهد نوعی اقتصاد «نوفتودالی» هستیم که در آن رقابت آزاد، شفافیت و پاسخ‌گویی جایی ندارد. (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵) مطابق با تحلیل نورث، نهادهای استثماری نه تنها مانع توسعه‌اند، بلکه در بلندمدت به فرسایش سرمایه اجتماعی، تخریب اعتماد عمومی و افزایش نابرابری منجر می‌شوند. این نهادها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که انگیزه برای نوآوری، کارآفرینی و مشارکت عمومی از بین برود. (نورث، ۱۹۹۰: ۲۵)

۸-۲- فقدان پوست در بازی و مصونیت نخبگان

نسیم طالب تأکید می‌کند که دوام سیستم‌های پیچیده در گرو آن است که تصمیم‌گیرندگان، شخصاً در معرض تبعات مثبت و منفی تصمیمات‌شان باشند. اما در ساختار ایران، بسیاری از نخبگان سیاسی و اقتصادی نه تنها از ریسک تصمیمات‌شان مصون‌اند، بلکه اغلب از آن‌ها سود هم می‌برند. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)

برای مثال، سیاست‌گذاری‌های ارزی که منجر به تورم شدید شد، در حالی اتخاذ شدند که تصمیم‌گیران خود به منابع ارزی ترجیحی دسترسی داشتند. یا در موضوعات زیست‌محیطی، آن‌ها که مجوز تخریب را صادر کردند، خود در نقاط امن و مرفه زندگی می‌کنند. نبود پوست در بازی، باعث می‌شود ساختار تصمیم‌گیری نه تنها یاد نگرفته و اصلاح‌پذیر نباشد، بلکه نسبت به آسیب‌های واردشده نیز بی‌تفاوت باشد. (طالب، ۱۴۰۰: ۴۲)



۸-۳- چرخه نخبه‌زدایی و انحصارگرایی

رضاقلی در آثار خود، با تحلیل چرخه‌های تاریخی، نشان می‌دهد که انسداد توسعه در ایران نتیجه حذف مداوم نخبگان مستقل، دانشگاهیان منتقد، و روشنفکران تحول‌خواه است. هرگاه نسلی از نخبگان خواسته‌اند ساختار را تغییر دهند، یا با خشونت حذف شده‌اند یا در سازوکار قدرت جذب شده‌اند. این چرخه نخبه‌زدایی به ایجاد ساختاری بسته، محافظه‌کار و فاقد نوآوری منجر شده است. ساختاری که فقط وفاداری به هسته قدرت را پاداش می‌دهد، نه شایستگی، خلاقیت یا نمایندگی اجتماعی. (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۱۰۱)

۸-۴- هم‌افزایی تخریبی ساختار

سه مؤلفه بالا در تعامل با هم، سازوکاری را شکل می‌دهند که از هر بحران، برای بازتولید خود استفاده می‌کند. تحریم‌ها، جنگ، بحران‌های اقتصادی یا اجتماعی، به جای اصلاح ساختار، بهانه‌ای برای بستن فضا، افزایش انحصار، و حذف بیشتر نخبگان شده‌اند. این سازوکار را می‌توان نوعی «انسداد پویای نهادی» نامید؛ جریانی که در آن، حتی بحران‌ها هم به موتور بازتولید انسداد تبدیل می‌شوند.

۸-۵- نتیجه تحلیلی

در مجموع، انسداد توسعه در ایران، نه ناشی از بحران‌های تصادفی یا خطای مقطعی، بلکه نتیجه منطقی از طراحی نهادی، رفتار سیستماتیک قدرت، و سازوکارهای ضدپاسخ‌گوست. این ساختار تنها زمانی شکسته می‌شود که پوست در بازی به اصل بنیادین سیاست‌گذاری تبدیل شود، نهادهای شفاف و مستقل قدرت بگیرند، و چرخه نخبه‌زدایی متوقف گردد.

این مدل، به صورت علی-تحلیلی، نشان می‌دهد که چگونه یک چرخه معیوب: از قدرت انحصاری و تاریخ نخبه‌زدایی آغاز می‌شود، با تصمیم‌گیری بدون ریسک و مسئولیت ادامه می‌یابد، نهادهای ناکارآمد را در زمان تثبیت می‌کند، در برابر بحران‌ها، به جای بازسازی، واکنش تدافعی نشان می‌دهد، و نهایتاً چرخه توسعه‌نیافتگی را بازتولید می‌کند.

۸-۶ - فکتهای تاریخی ایران و تطبیق با نظریات

جدول شماره ۳

رویداد تاریخی	تحلیل با نورث	تحلیل با طالب	تحلیل با رضا قلی
دوران صفویه	تمرکز قدرت در دربار و روحانیت - نبود نهادهای مستقل ساختار سیاسی شکننده -	فروپاشی با بحران جانشینی حذف نخبگان غیرشیعه - وابستگی دولت به قشر خاص دوران قاجار استبداد سنتی - عدم شکل گیری بوروکراسی مدرن جامعه فاقد پادشکندگی	
دوران قاجار	استبداد سنتی، عدم شکل گیری بوروکراسی مدرن جامعه فاقد پادشکندگی؛ هر بحران، آغاز فروپاشی مشروطه خواهان سرکوب شدند؛ فرصت نهادهای سازی از دست رفت		
نهضت مشروطه (۱۲۸۵)	تلاش برای شکل گیری نهادهای فراگیر (مجلس، قانون)، اما ناکام ماند بحران های پس از مشروطه، باعث واگرایی سیاسی شد مشروطه خواهان توسط شاه، روحانیت و استعمار حذف شدند		
دوران پهلوی اول	اول اصلاحات از بالا با ساختار اقتدارگرایانه نوسازی سریع اما شکننده؛ بحران ها منجر به سرکوب حذف نیروهای مدنی (احزاب، روشنفکران)		
دولت مصدق (۱۳۳۰-۳۲)	تلاش برای ملی کردن نهادهای اقتصادی؛ ناکام ماند در برابر فشار خارجی و داخلی تاب نیامد کودتا علیه دولت ملی؛ قلع و قمع نیروهای ملی		
انقلاب ۱۳۵۷	فرصت بازسازی نهادها، اما بازگشت به تمرکز قدرت		
بحران ها (جنگ، تحریم)	موجب تمرکز قدرت شدند حذف نیروهای انقلابی و نخبگان اولیه انقلاب و دوران پس از جنگ نهادهای انتخابی تحت کنترل نهادهای انتصابی بحران ها باعث انسداد بیشتر شدند اصلاح طلبان یا حذف یا جذب ساختار قدرت شدند		

نتیجه گیری نظری - تاریخی

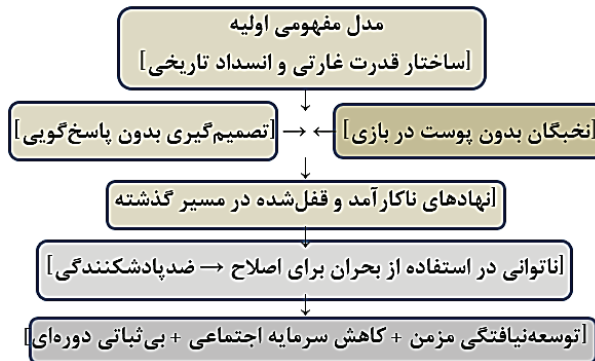
چرخه توسعه نیافتگی ایران در طول تاریخ، از طریق سه سازوکار عمده شکل گرفته است:

۱. نهادهای استثماری و ضعیف (نورث) → نهادهایی که بجای تولید قدرت مشروع، قدرت را متمرکز و مردم را طرد می کنند.
۲. فقدان پوست در بازی (طالب) → تصمیم گیرانی که هزینه اشتباهات خود را نمی پردازند، انگیزه ای برای اصلاح ندارند.



۳. حذف نخبگان و انحصارگرایی (رضا قلی) → هر بار که نخبگان نوگرا ظهور می کنند، یا سرکوب می شوند یا جذب قدرت می شوند.

جدول شماره ۴



۶-۹ - راهکار نظری: برای شکستن این چرخه، پیشنهاد می شود:

- بازسازی نهادها بر اساس مشارکت عمومی و رقابت سالم (نورث: ۱۳۹۵)
- افزایش مسئولیت پذیری نخبگان از طریق شفافیت و پاسخ گوئی. (نسیم طالب: ۱۴۰۰)
- توقف نخبه زدایی و ایجاد فضای امن برای اندیشه و سازمان یابی مدنی (رضاقلی، ۱۳۹۸: ۳۴)

جدول شماره ۵

سه سازوکار عمده شکل گرفته چرخه انسداد توسعه نیافتگی ایران

نظریه پرداز	عامل	نتیجه	راهکار نظری
داگلاس نورث	نهادهای استثمار و ضعیف	نهادهایی که بجای تولید قدرت مشروع، قدرت را متمرکز و مردم را طرد می کنند.	بازسازی نهادها بر اساس مشارکت عمومی و رقابت سالم
نسیم طالب	فقدان پوست در بازی	تصمیم گیری که هزینه اشتباهات خود را نمی پردازند، انگیزه ای برای اصلاح ندارند	افزایش مسئولیت پذیری نخبگان از طریق شفافیت و پاسخ گوئی
رضا قلی	حذف نخبگان و انحصارگرایی	هر بار که نخبگان نوگرا ظهور می کنند، یا سرکوب می شوند یا جذب قدرت می شوند	توقف نخبه زدایی و ایجاد فضای امن برای اندیشه و سازمان یابی مدنی

۵- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش ترکیبی^۱ استفاده شده است تا بتوان ابعاد مختلف توسعه‌نیافتگی ایران را به طور جامع تحلیل کرد. داده‌های کمی شامل شاخص‌های اقتصادی و توسعه انسانی از منابع رسمی مانند بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، و گزارش‌های سازمان ملل متحد و بانک جهانی برای دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲ جمع‌آوری شده‌اند. این داده‌ها به منظور تحلیل روندهای اقتصادی و تأثیر نهادها بر توسعه کشور استفاده شدند. همچنین، داده‌های کیفی از طریق تحلیل محتوای متون تاریخی، اسناد سیاسی-اقتصادی و گزارش‌های تحلیلی نهادهای داخلی و خارجی گردآوری شدند. علاوه بر آن، ۲۰ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه اقتصاد سیاسی ایران صورت گرفت که دیدگاه‌های عمیق‌تری درباره ساختار قدرت، انسداد نهادی و چالش‌های توسعه ارائه کردند. حوزه تحقیق شامل بررسی ساختارهای نهادی، تحولات سیاسی و اقتصادی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ و روندهای توسعه‌نیافتگی می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل نهادهای سیاسی، اقتصادی، و صاحب‌نظران علمی و کارشناسان اقتصادی کشور است. حجم نمونه در بخش کیفی شامل ۲۰ مصاحبه و تحلیل بیش از ۵۰ سند و گزارش مرتبط است که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. این رویکرد به پژوهشگر امکان داد تا ضمن تحلیل داده‌های آماری، از بینش‌های کیفی برای تبیین بهتر مسائل استفاده کند و تحلیل جامع و عمیقی از توسعه‌نیافتگی ایران ارائه دهد.

نتیجه‌گیری

ایران برای خروج از چرخه توسعه‌نیافتگی، نیازمند شکستن ساختار قدرت مبتنی بر قوه سیاه و حرکت به سوی نهادهای پادشکننده است؛ نهادهایی که از بحران‌ها درس بگیرند و ظرفیت اصلاح خود را داشته باشند. تنها در این صورت است که می‌توان به آینده‌ای توسعه‌محور امیدوار بود. این نهادها گزارش‌های اقتصادی سالانه و شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصاد در این تحلیل، توسعه‌نیافتگی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ با اتکا به سه چارچوب نظری قدرتمند مورد بررسی قرار



گرفت: نظریه نهادهای سیاسی و اقتصادی از دیدگاه عجم‌اوغلو و رایینسون، مفهوم وابستگی به مسیر و نهادگرایی تاریخی از منظر داگلاس نورث، و نظریه پادشکندگی و پوست در بازی از نسیم نیکولاس طالب. تحلیل نشان می‌دهد که توسعه‌نیافتگی ایران نه یک رویداد گذرا یا معلول عوامل صرفاً خارجی، بلکه حاصل ساختارهای درونی قدرت، الگوهای نهادی، و منطق بازتولید قدرت بدون پاسخ‌گویی است.

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ یک فرصت تاریخی بی‌نظیر برای نوسازی ساختارهای سیاسی و اقتصادی ایران فراهم کرد. فروپاشی نظام سلطنتی، مشارکت گسترده مردمی، و فضای انقلابی، زمینه‌ای برای ساخت نهادهای فراگیر فراهم کرد که بتواند پایه‌گذار یک نظم سیاسی دموکراتیک و توسعه‌محور شود. اما روند حاکم بر انقلاب، خیلی زود از الگوی بازتوزیع قدرت فاصله گرفت و در عمل، منجر به تمرکز قدرت در نهادهایی شد که پاسخ‌گویی‌شان به مردم کاهش یافت.

بر اساس دیدگاه عجم‌اوغلو، ملت‌ها زمانی شکست می‌خورند که نهادهای سیاسی و اقتصادی‌شان استثماری باشند؛ یعنی نهادهایی که نه تنها اجازه رقابت نمی‌دهند، بلکه منابع و قدرت را در اختیار گروهی محدود نگاه می‌دارند. در ایران پس از انقلاب، علی‌رغم شکل‌گیری برخی نهادهای انتخابی مانند مجلس و ریاست‌جمهوری، قدرت واقعی در اختیار نهادهایی باقی ماند که نه از مردم مشروعیت می‌گرفتند و نه تحت نظارت نهادهای مدنی بودند. این تمرکزگرایی، امکان رقابت سیاسی واقعی، گردش نخبگان، و شفافیت اقتصادی را از بین برد.

داگلاس نورث نیز بر نقش تاریخ و نهادها در مسیر توسعه تأکید دارد. به زعم او، کشورهای که در گذشته نهادهای استثماری داشته‌اند، معمولاً به دلیل "وابستگی به مسیر" نمی‌توانند به راحتی به نهادهای فراگیر دست یابند. انقلاب ۵۷ اگرچه در ظاهر ساختار قبلی را در هم شکست، اما در عمل، نهادهایی با منطق تمرکزگرایی مشابه تولید کرد. بسیاری از تصمیم‌گیرندگان همان نقش شاه و دربار را در ساختار جدید ایفا کردند، اما در لباسی ایدئولوژیک یا امنیتی. اصلاحات نیم‌بند دهه ۷۰ نیز نتوانست این مسیر را تغییر دهد؛ زیرا در نهادهای بنیادی قدرت، تغییری حاصل نشد.

از منظر نسیم نیکولاس طالب، مهم‌ترین خطر برای یک سیستم، زمانی است که تصمیم‌گیرندگان آن سیستم، خودشان از تبعات تصمیمات‌شان مصون باشند. یعنی نخبگان، "پوست در بازی" نداشته باشند. ایران در دهه‌های اخیر، نمونه کلاسیکی از این مدل بوده است: سیاست‌گذارانی که سیاست‌های ارزی یا مالی می‌چینند، خود از تورم یا سقوط ارزش پول مصون‌اند. نهادهایی که تصمیم به تحریم‌ستیزی می‌گیرند، خود از اثرات تحریم بر معیشت مردم آسیبی نمی‌بینند. این عدم تقارن در ریسک، به تعبیر طالب، سیستم را شکننده و مستعد فروپاشی می‌کند؛ نه پادشکننده.

نکته مهم این است که جامعه ایران در دوره‌هایی نشان داده که ظرفیت پادشکندگی دارد. مثلاً در انقلاب ۵۷ یا در نهضت اصلاحات، مشارکت مردم بالا بود، نخبگان مدنی فعال بودند، و مطالبه‌گری اجتماعی رشد داشت. اما در نبود ساختارهایی که بتوانند انرژی جامعه را به اصلاح نهادهای قدرت تبدیل کنند، این حرکت‌ها یا به سرکوب انجامید یا به ناامیدی و خروج نخبگان از عرصه عمومی.

در دهه‌های اخیر، ترکیب فساد ساختاری، عدم پاسخ‌گویی، و وابستگی شدید به منابع طبیعی (نفت و گاز) باعث شده ایران نه تنها به توسعه نزدیک نشود، بلکه در بسیاری زمینه‌ها دچار عقب‌گرد نهادی شود. حتی در مواجهه با بحران‌ها از جمله تحریم‌های بین‌المللی، سقوط ریال، بحران آب و محیط زیست به جای اصلاح ساختار، روند تمرکز بیشتر قدرت و حذف منتقدان افزایش یافته است. در چنین شرایطی، سیستم به جای آنکه از بحران‌ها بیاموزد و خود را پادشکننده کند، به سمت انسداد و انقباض بیشتر حرکت می‌کند.

مسئله اصلی ایران امروز نه در کمبود منابع یا فقدان دانش مدیریتی، بلکه در منطق نهادی حاکم است. تا زمانی که ساختار قدرت به نهادهای شفاف، رقابتی و پاسخ‌گو تبدیل نشود، و تا زمانی که نخبگان و تصمیم‌گیران حاضر نباشند تبعات تصمیمات خود را بپذیرند، توسعه واقعی امکان‌پذیر نخواهد بود.

توسعه نیازمند اعتماد عمومی است، و اعتماد از دل "پوست در بازی"، از دل نهادهای پاسخ‌گو، و از دل حضور واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌ها شکل می‌گیرد. اگر ایران بخواهد از این



چرخه خارج شود، باید همزمان سه مسیر را بیماید: (۱) نهادسازی سیاسی مستقل، (۲) پاسخ گو کردن ساختار تصمیم گیری، و (۳) پایان دادن به نخبه زدایی و حذف طبقه متوسط مستقل. در نهایت، توسعه در ایران زمانی آغاز خواهد شد که بحران ها به جای انقباض، به گشودگی و یادگیری منجر شوند؛ و این تنها زمانی ممکن است که ساختارها تغییر کنند، نه صرفاً افراد درون آن ها.

توسعه نیافتگی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ را نمی توان صرفاً معلول بحران های اقتصادی یا فشارهای خارجی دانست؛ بلکه باید آن را نتیجه تداوم ساختارهای نهادی و سیاسی استثماری و انحصارگر دانست که در طول تاریخ معاصر شکل گرفته و به بازتولید خود ادامه می دهند. این ساختارها، نه تنها امکان نوسازی واقعی را از میان برده اند، بلکه عملاً زمینه ساز تکرار الگوهای انسداد نهادی شده اند که اجازه نمی دهند بحران ها به فرصت هایی برای اصلاح و پویایی بدل شوند. از منظر نظریه نهادگرایی تاریخی داگلاس نورث، توسعه اقتصادی و سیاسی کشورها در چارچوب نهادهایی تعریف می شود که بر اساس تجربه تاریخی شکل گرفته اند و تغییر این نهادها به سادگی ممکن نیست، زیرا وابستگی به مسیر، محدودیت های شدیدی برای اصلاحات واقعی ایجاد می کند. در مورد ایران، اگرچه انقلاب اسلامی تغییرات سیاسی گسترده ای به همراه داشت و ساختار نظام سلطنتی پیشین را فروپاشاند، اما نهادهای جدیدی که به وجود آمدند، به جای شکستن الگوی تمرکز قدرت و ایجاد نهادهای فراگیر، همان منطق انحصارگرایی و پاسخ ندادن به مطالبات عمومی را حفظ کردند و تنها ظاهری نو و ایدئولوژیک به خود گرفتند. این روند سبب شد بسیاری از تصمیم گیرندگان جدید، در قالب نهادهای امنیتی و ایدئولوژیک، نقش نخبگان پیشین را بازتولید کنند، با این تفاوت که مشروعیت شان دیگر بر پایه مردم سالاری نبود بلکه بر محور حفظ منافع گروهی محدود و انحصاری قرار داشت. به همین دلیل، اصلاحات نیم بند و ناکامل در دهه های پس از انقلاب نتوانست این روند را به صورت بنیادی دگرگون سازد، زیرا ساختارهای اصلی قدرت دست نخورده باقی ماندند و نهادهای انتخابی نیز فاقد استقلال و نفوذ واقعی بودند. همچنین، نظریه نسیم نیکولاس طالب در زمینه پادشکنندگی و مفهوم «پوست در بازی» به تحلیل شکنندگی

سیستم سیاسی-اقتصادی ایران کمک می‌کند. در این چارچوب، پادشکندگی به معنای توانایی سیستم در بهره‌برداری از بحران‌ها و تقویت خود است، اما در ایران، سیستم تصمیم‌گیری به شدت شکننده است، زیرا کسانی که تصمیم می‌گیرند از هزینه‌ها و پیامدهای تصمیمات خود مصون هستند. سیاست‌گذاران مالی که باعث تورم یا سقوط ارزش پول می‌شوند، خود متضرر نمی‌شوند؛ نهادهایی که تصمیم به مقابله با تحریم‌ها می‌گیرند، به سختی تحت تأثیر مشکلات معیشتی قرار می‌گیرند؛ و این عدم تقارن در ریسک، باعث می‌شود سیستم نتواند از بحران‌ها درس بگیرد و در مقابل شوک‌ها پایداری یا حتی رشد کند. این فقدان «پوست در بازی» یکی از موانع جدی در مسیر توسعه است و سبب می‌شود نخبگان و تصمیم‌گیرندگان کمترین انگیزه را برای اصلاحات واقعی و پاسخگویی به مطالبات عمومی داشته باشند. علاوه بر این، انسداد تاریخی قدرت و نخبه‌زدایی که علی‌رضا قلی به آن اشاره کرده است، نقش مهمی در تداوم توسعه‌نیافتگی ایفا می‌کند. در ایران معاصر، همواره تلاش‌های اصلاحی و نوسازی نهادی با سرکوب، حذف یا جذب نخبگان تحول‌خواه مواجه شده و این فرآیند موجب شده است که طبقه نخبگان مستقل و متعهد به تغییر، جای خود را به گروه‌هایی بدهد که عمدتاً خواستار حفظ وضعیت موجود و منافع فردی یا گروهی هستند. این مسأله نه تنها مانع از گردش نخبگان می‌شود بلکه به بازتولید ساختارهای بسته و غیر پاسخگو کمک می‌کند که در نهایت به انسداد و رکود نهادی منجر می‌گردد. در نتیجه، ایران در وضعیتی قرار دارد که بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نه تنها فرصتی برای تغییر و بهبود نیستند، بلکه موجب تقویت تمرکز قدرت و افزایش سرکوب نهادهای مدنی و منتقدان می‌شوند. ترکیب فساد ساختاری، وابستگی شدید به منابع طبیعی به ویژه نفت و گاز، و فقدان شفافیت و پاسخگویی، باعث شده است اقتصاد ایران به اقتصاد رانتی و غیر رقابتی تبدیل شود و ظرفیت‌های انسانی و مالی کشور به‌درستی مورد استفاده قرار نگیرد. در سطح اجتماعی، این وضعیت موجب کاهش اعتماد عمومی، افزایش نابرابری‌ها و خروج گسترده نخبگان از کشور شده است که همه این عوامل با همدیگر تعامل منفی دارند و چرخه توسعه‌نیافتگی را تشدید می‌کنند. این چرخه معیوب به گونه‌ای است که هر بار بحران جدیدی رخ می‌دهد، به جای یادگیری و اصلاح،



ساختارهای قدرت بیش از پیش بسته می‌شوند و نخبگان تحول‌خواه حذف یا منزوی می‌گردند. از این رو، مسئله اصلی ایران نه کمبود منابع یا دانش مدیریتی، بلکه منطق نهادی حاکم بر ساختارهای قدرت است که اجازه نمی‌دهد نهادهای فراگیر، پاسخگو و شفاف شکل بگیرند. توسعه پایدار تنها زمانی ممکن است که نخبگان و تصمیم‌گیرندگان حاضر باشند تبعات تصمیمات خود را بپذیرند و در برابر مردم پاسخگو باشند؛ یعنی وقتی که «پوست در بازی» در سیستم وجود داشته باشد و نهادها بتوانند از بحران‌ها به عنوان فرصت‌هایی برای یادگیری و تقویت استفاده کنند. برای عبور از این وضعیت، ایران باید همزمان چند مسیر اساسی را دنبال کند: اول، نهادسازی سیاسی مستقل و پاسخگو که بتواند قدرت را به گونه‌ای توزیع کند که امکان رقابت واقعی، گردش نخبگان و شفافیت اقتصادی فراهم شود؛ دوم، ایجاد ساختارهای تصمیم‌گیری که در آن «پوست در بازی» وجود داشته باشد و تصمیم‌گیرندگان هزینه‌های تصمیمات خود را شخصاً متحمل شوند؛ و سوم، پایان دادن به نخبه‌زدایی و حذف طبقه متوسط مستقل که موتور اصلی اصلاحات نهادی و توسعه اجتماعی است. علاوه بر این، جامعه ایران در دوره‌هایی نشان داده که ظرفیت پادشکنندگی دارد؛ مانند انقلاب ۵۷ و نهضت اصلاحات، که در آنها مشارکت گسترده مردم، فعالیت نخبگان مدنی و مطالبه‌گری اجتماعی بالا بود، اما فقدان نهادهای قدرتمند و مستقل باعث شد این جریان‌ها یا سرکوب شوند یا به ناامیدی و انزوای نخبگان منجر شوند. این واقعیت نشان می‌دهد که توسعه ایران مستلزم تغییرات عمیق و بنیادین در ساختارهای نهادی و سیاسی است نه صرفاً تغییر در ترکیب افراد. اگر این تغییرات صورت گیرد، می‌توان انتظار داشت که بحران‌ها به جای انسداد، به گشودگی و یادگیری نهادی تبدیل شوند و مسیر توسعه‌محور کشور باز شود. در نهایت، توسعه واقعی ایران زمانی آغاز خواهد شد که اعتماد عمومی به نهادها و نظام سیاسی بازسازی شود و مردم به طور واقعی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند و حس کنند قدرت به معنای پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری است، نه انحصار و محرومیت. این مسیر دشوار و زمان‌بر است، اما بدون پیمودن آن، تکرار تاریخی انسداد توسعه و شکنندگی سیستم همچنان ادامه خواهد داشت و چشم‌انداز روشنی برای آینده توسعه ایران ممکن نخواهد بود.

منابع

منابع فارسی

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۶)، درآمدی بر اقتصاد سیاسی ایران. تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۶.
- آل احمد، جلال. (۱۳۵۷)، در خدمت و خیانت روشنفکران، انتشارات خوارزمی.
- آل احمد، جلال. (۱۳۵۶)، غرب زدگی، انتشارات رواق، چاپ دوم.
- آل احمد، جلال. (۱۳۵۶)، کارنامه سه ساله، انتشارات رواق، چاپ سوم.
- آقاجانی، سعید. (۱۴۰۱)، «بررسی نهادهای ناکارآمد و توسعه نیافتگی در ایران». فصلنامه اقتصاد سیاسی ایران، سال ۹، شماره ۲، ۱۴۰۱.
- آشوری، داریوش. (۱۳۹۳)، دانشنامه سیاسی. تهران: مروارید، ۱۳۹۳.
- اندروز، مت. پریچت، لنت. وولکاک، مایکل (۱۳۹۶). توسعه به مثابه توانمند سازی حکومت شواهد. تحلیل. عمل. ترجمه جعفر خیر خواهان و مسعود درودی و مقدمه احمد میدری نشر نوین
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰)، توسعه و تضاد. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۰.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱)، جامعه شناسی سیاسی ایران. تهران: نی، ۱۳۸۱.
- بیات، آصف. (۱۳۹۹)، سیاست ورزی تهیدستان. ترجمه محسن عسکری جهقی. تهران: تیسرا،
- پوروهاب، محمدرضا. (۱۳۹۹)، «تحلیل ساختار رانتی اقتصاد ایران». فصلنامه راهبرد اقتصاد، سال ۵، شماره ۱، ۱۳۹۹.
- تاجیک. (۱۳۹۲)، محمدرضا. قدرت، دانش، مشروعیت. تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.
- تاجیک. (۱۳۹۰)، محمدرضا. «اقتصاد سیاسی ناامنی در ایران». فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۶۸، ۱۳۹۰.
- توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۸)، درآمدی به جامعه شناسی نهادها. تهران: سمت، ۱۳۸۸.



- تقوی، ناصر. (۱۴۰۰)، «تحلیل نهادهای رانتی در ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۱۲، شماره ۳، ۱۴۰۰.
- تقوی، ناصر و یارمحمدی، رضا. (۱۴۰۰)، «دولت رانتیر و نهادهای ناکارآمد». مطالعات توسعه سیاسی ایران، شماره ۱۸، ۱۴۰۰.
- حسینی، احمد. (۱۳۹۶)، نهادگرایی و توسعه اقتصادی. تهران: پژوهشکده اقتصاد، ۱۳۹۶.
- خانی، حسین. (۱۳۹۸)، «تحلیل ساختاری توسعه‌نیافتگی در ایران از منظر نهادگرایی». فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۳۴، ۱۳۹۸.
- دباغ، عبدالکریم. (۱۳۵۷)، «پادشکنندگی در مدیریت بحران». فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت بحران، شماره ۷، ۱۴۰۰.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۹)، نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: سمت، ۱۳۹۹.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۳)، توسعه و تضاد. تهران: شرکت کیهان، ۱۳۷۳.
- رضایی، مهدی. (۱۴۰۱)، «تحلیل نظری قوه سیاه و پیامدهای تصمیم‌گیری انقباضی». فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی اجتماعی، شماره ۹، ۱۴۰۱.
- رضوی، غلامرضا. (۱۳۹۰)، دولت مدرن و توسعه در ایران. تهران: نی، ۱۳۹۰.
- زرشناس، شهریار. (۱۳۹۵)، اقتصاد سیاسی توسعه‌نیافتگی. تهران: نشر ساقی، ۱۳۹۵.
- زیتون‌نژاد، رضا. (۱۳۹۴)، اقتصاد سیاسی ایران. تهران: کویر، ۱۳۹۴.
- عابدینی، حسین. (۱۴۰۰)، «بحران نهادها و امنیت ساختاری در ایران». فصلنامه راهبرد اجتماعی، شماره ۲۹، ۱۴۰۰.
- عجم اوغلو، دارون آسم و جمیز رابینسون، (۲۰۱۰)، نقش نهادها در رشد و توسعه، ترجمه شده در: نهادها و توسعه، ترجمه، محمود متو سلی، مصطفی سمیعی نسب، علی نیکونستی، انتشارات دانشگاه امام صادق.
- عجم اوغلو، دارون؛ رابینسون، جیمز ای. (۱۳۹۴)، راه باریک آزادی ترجمه محمدحسین نعیمی پور و محسن میردامادی "توسط نشر روزنه به چاپ رسیده است. چاپ چهارم ۱۳۹۴

- عجم اوغلو، دارون. رابینسون، جیمز. (۱۳۹۵). راه باریک آزادی، انتشارات قومس، تهران.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۳). مدارهای توسعه نیافتگی اقتصاد ایران. انتشارات نشر نی، تهران
- دایموند، جارد. (۱۴۰۱)، آشوب (نقاط عطف برای کشورهای بحران زدها)، ترجمه اصلاصن قودجانی، انتشارات طرح نو، تهران.
- سنتولا. دیمون (۱۴۰۰). تغییر رخدادهای بزرگ چگونه فراگیر می شوند؟. ترجمه سعید زرگریان. نشر اموخته.
- ساعی، احمد و سیفی عبدالمجید (۱۳۹۵). اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی (مسائل اقتصادی- سیاسی جهان سوم)، انتشارات قومس.
- سیف، احمد. (۱۳۹۹). نگاهی با دوربین به اقتصاد ایران (از مشروطه تاکنون) چاپ دوم، نشر کرگدن
- شبرندی، وریا. (۱۴۰۰)، عوامل بنیادین درونی محدود کننده ظهور ایران در اقتصاد سیاسی بین الملل. پایانامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- شبرندی، وریا. و بهرامی مقدم، سجاد (۱۴۰۲). «عوامل بنیادین استمرار چرخه توسعه نیافتگی اقتصاد سیاسی ایران». فصلنامه غرب آسیا، دوره ۱۲، شماره ۳، صص. ۴۵-۶۲.
- سبحانی، حسین (۱۳۹۵). جدال با توسعه نیافتگی ایران. انتشارات نشر نی، تهران.
- سیف، احمد. (۱۳۹۹)، نگاهی با دوربین به اقتصاد ایران (از مشروطه تاکنون) چاپ دوم، نشر کرگدن.
- ساعی، علی رضا. (۱۳۵۷)، «دولت رانتیر و انسداد دموکراتیک». فصلنامه سیاست پژوهی شرق، شماره ۱۰، ۱۳۹۹.



- سرمد، محمد. (۱۳۵۷)، «نقش نخبگان در شکل گیری دولت توسعه گرا». پژوهش های سیاست تطبیقی، سال ۷، شماره ۱، ۱۴۰۲.
- سوزان، محمد. (۱۳۵۷)، نخبگان و ساختار قدرت در ایران. تهران: علم، ۱۳۸۵.
- طالب، نسیم نیکولاس. (۱۴۰۰). کتاب پادشکننده: آنچه از بی نظمی بهره می برد. ترجمه مینا صفری. نشر نوین .
- طالب، نسیم نیکولاس. (۱۳۵۷)، پادشکننده. ترجمه علی شهروز. تهران: نشر نو، ۱۳۹۸.
- طالب، نسیم نیکولاس. (۱۳۵۷)، قوی سیاه. ترجمه شهرزاد پرتوی. تهران: آریانا قلم، ۱۳۹۵.
- رضاقلی، علی. (۱۳۹۸)، سراب گرایی صنعتی در نظام قبایلی ایران، ناشر: نهاد گرا (وابسته به موسسه مطالعات دین و اقتصاد)
- رضاقلی، علی. (۱۳۵۷)، جامعه شناسی خودکامگی. تهران: نی، ۱۳۹۱.
- رضاقلی، علی، (۱۳۹۸)، ائتلاف شناسی نخبه کشی: قائم مقام، امیرکبیر، مصدق: تحلیل ائتلاف شناسی برخی از ریشه های
- رضاقلی، علی، (۱۳۹۸)، اگر نورث ایرانی بود (شرحی بر تاریخ اقتصاد سیاست و فرهنگ ایران) ناشر: نهاد گرا (وابسته به موسسه مطالعات دین و اقتصاد) .
- رضاقلی، علی، (۱۳۶۷)، ائتلاف شناسی خودکامگی: تحلیل ائتلاف شناسی ضحاک ماردوش، تهران: نشر نی، ۱۳۶۷.
- ریتزر، جورج، (۱۳۸۳)، نظریه ی جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه ی محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ هشتم، ۱۳۸۳؛ صص ۶۴۴-۵۹۶.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۵)، دانش، قدرت، فرهنگ. تهران: آگاه، ۱۳۹۵.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۴۰۰)، «تحلیل جامعه شناختی انسداد نهادسازی در ایران». مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۲۱، ۱۴۰۰.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۹۲)، توسعه و فرهنگ در ایران. تهران: نشر نی، ۱۳۹۲.

- محمدی، علی‌رضا. (۱۴۰۱)، «مدیریت بحران و ناکارآمدی ساختاری». فصلنامه آینده‌پژوهی اجتماعی، شماره ۶، ۱۴۰۱.
- مشیری، جواد. (۱۳۹۸)، اندیشه توسعه در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۸.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۹۰)، سیاست و حکومت در ایران معاصر. تهران: سمت، ۱۳۹۰.
- واعظی، محمود. (۱۳۹۹)، «تحلیل اقتصاد سیاسی تصمیم‌گیری در ایران». پژوهش‌های سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۱۵، ۱۳۹۹.
- فوران، جان، (۱۳۷۸)، تاریخ تحولات اجتماعی در ایران؛ مقاومت شکننده. ترجمه احمد تدین .
- کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۹۲)، ایرانیان (دوران باستان تا دوره معاصر)، ترجمه حسین شهیدی، نشر مرکز، تهران.
- کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۸۱)، تضاد دولت و ملت، نظریه‌ی تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱؛ ص ۲۵.
- کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۷۴)، ایدئولوژی و روش در اقتصاد، ترجمه محمد قائد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴؛ فصل هفتم. ۴.
- همایون کاتوزیان، محمد علی. (۱۳۷۳)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز
- کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۷۹)، استبداد و آشوب؛ منطق تاریخ و جامعه‌شناسی تاریخی ایران، در کتاب توسعه، جلد یازدهم، تهران، نشر توسعه، چاپ اول، ۱۳۸۱؛ صص ۷۲-۷۸
- کدی، نیکی، (۱۳۸۴)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، نشر قلم.
- کدی، نیکی آر. (۱۳۸۱)، ایران دوران قاجار و برآمدن رضاخان. ترجمه مهدی حقیقت‌خواه. تهران: انتشارات ققنوس



- کاتوزیان، محمد علی همایون، (۱۳۹۲)، ایرانیان (دوران باستان تا دوره معاصر)، ترجمه حسین شهیدی، نشر مرکز، تهران.
- کاتوزیان، محمد علی همایون. (۱۳۸۱)، تضاد دولت و ملت، نظریه‌ی تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۸۱؛ ص ۲۵، ۳.
- غنی نژاد، موسی (۱۳۹۷). *تجدد و توسعه طلبی در ایران معاصر*. انتشارات مرکز نی، تهران. چاپ پنجم.
- سریع القلم، محمود. (۱۴۰۱)، کتاب عقلانیت و توسعه یافتگی ایران انتشارات فرزاد روز.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۰). *عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه*.
- لشکر بلوکی، مجتبی (۱۳۷۳). *استراتژی توسعه ایران چرا ایران عقب ماند؟ چگونه پیشرفت کنیم؟*. انتشارات نشر نی، تهران.
- ویتفولگل. کارل آگوست (۱۴۰۱) *استبداد شرقی*. ترجمه محسن ثلاثی. نشر ثالث.

English References

- Aghion, P., & Bolton, P. (1992). Distribution and growth in models of imperfect capital markets. *European Economic Review*, 36 (2-3), 603-611.
- Aghion, P., Caroli, E., & Garsia-Penalosa, C. (1998). Inequality and economic growth. *Growth, Inequality and Globalization: Theory, History and Policy*, 5-102.
- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity, and poverty*. Crown Business.
- Acemoglu, Daron & Robinson, James (2010). *The Role of Institutions in Growth and Development*, *Review of Economics and Institutions*, 1(2), pp. 1-3
- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity, and poverty*. Crown Publishing Group.
- Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2006). *Economic origins of dictatorship and democracy*. Cambridge University Press.

- Alvaredo, F., Chancel, L., Piketty, T., Saez, E., & Zucman, G. (Eds.). (2018). *World inequality report 2018*. Harvard University Press.
- Bates, R. H. (2014). *Markets and states in tropical Africa: The political basis of agricultural policies*. University of California Press.
- Beblawi, H., & Luciani, G. (Eds.). (1987). *The rentier state: Nation, state and the integration of the Arab world*. Croom Helm.
- Bellin, E. (2004). The robustness of authoritarianism in the Middle East: Exceptionalism in comparative perspective. *Comparative Politics*, 36(2), 139–157.
- Blyth, M. (2002). *Great transformations: Economic ideas and institutional change in the twentieth century*. Cambridge University Press.
- Boix, C. (2003). *Democracy and redistribution*. Cambridge University Press.
- Di John, J. (2009). *Failed states in the developing world*. Polity Press.
- Diamond, J. (1997). *Guns, germs, and steel: The fates of human societies*. W. W. Norton & Company.
- Diamond, J. (2005). *Collapse: How societies choose to fail or succeed*. Viking Press.
- Englebert, P. (2000). *State legitimacy and development in Africa*. Lynne Rienner Publishers.
- Evans, P. (1995). *Embedded autonomy: States and industrial transformation*. Princeton University Press.
- Fukuyama, F. (2011). *The origins of political order*. Farrar, Straus and Giroux.
- Fukuyama, F. (2014). *Political order and political decay*. Farrar, Straus and Giroux.
- Hall, P. A., & Taylor, R. C. R. (1996). Political science and the three new institutionalisms. *Political Studies*, 44(5), 936–957.
- Huntington, S. P. (1968). *Political order in changing societies*. Yale University Press.
- Johnson, C. (1982). *MITI and the Japanese miracle: The growth of industrial policy, 1925–1975*. Stanford University Press.
- Karl, T. L. (1997). *The paradox of plenty: Oil booms and petro-states*. University of California Press.

- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues. World Bank Policy Research Working Paper, (5430).
- Khan, M. (2005). Markets, states and democracy: Patron-client networks and the case for democracy in developing countries. *Democratization*, 12(5), 704–724.
- Leftwich, A. (2000). States of development: On the primacy of politics in development. Polity Press.
- Levi, M. (1988). Of rule and revenue. University of California Press.
- Linz, J. J., & Stepan, A. (1996). Problems of democratic transition and consolidation. Johns Hopkins University Press.
- Mahoney, J., & Thelen, K. (2010). Explaining institutional change: Ambiguity, agency, and power. Cambridge University Press.
- Migdal, J. S. (2001). State in society: Studying how states and societies transform and constitute one another. Cambridge University Press.
- North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge University Press.
- North, Douglass C. and Barry Weingast. 1989. "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in Seventeenth-Century England." *Journal of Economic History* 49(4): 803–32.
- North, D. C (2005), Understanding the Process of Economic Change, Cambridge. Radzicki, M (1990), Institutional Dynamics, Ostrom, E(2000),
- North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge University Press.
- North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R. (2008). Violence and Social Orders, In: Governance Growth and Development Decision-making. World Bank
- North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R. (2009a). Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history. Cambridge University Press. p.13.
- North, D. C., Wallis, J., Joseph, W., & Barry, R. (2009b). Violence and the rise of openaccess orders. *Journal of Democracy*, 20(1), Pp 55-68



- North, Douglass c. (1992), *The New Institutional Economics and Development*; Washington University. Herbert Simon.
- North, Douglass C., J. J. Wallis and B. R. Wingate (2009), *Violence and Social Orders*, Cambridge University Press.
- North, D (1990). *Institution, institutional change and economic performance*. cambridge university press
- North D.C. et al (2009), *Violence and Social Orders*, Cambridge.
- North, D.C, (1990), *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge.
- North, D. C (2005), *Understanding the Process of Economic Change*, Cambridge. Radzicki, M (1990), *Institutional Dynamics*, Ostrom, E. (2000).
- North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). *Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history*. Cambridge University Press.
- North, D. C., Wallis, J. J., & Weingast, B. R. (2009). *Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history*. Cambridge University Press.
- Taleb, N. N. (2012). *Antifragile: Things that gain from disorder*. Random House.
- Tilly, C. (1992). *Coercion, capital, and European states, AD 990–1992*. Blackwell.
- Tripp, C. (2000). *A history of Iraq*. Cambridge University Press.
- Waldner, D. (1999). *State building and late development*. Cornell University Press.
- Taleb, N. N. (2012). *Antifragile: Things that gain from disorder*. Random House.
- Taleb, N. N. (2007). *The black swan: The impact of the highly improbable*. Random House.
- Taleb, N. N. (2018). *Skin in the game: Hidden asymmetries in daily life*. Random House.
- Olson, M. (1993). Dictatorship, democracy, and development. *American Political Science Review*, 87(3), 567–576.
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge University Press.

- Rodrik, D. (2007). One economics, many recipes: Globalization, institutions, and economic growth. Princeton University Press.
- Sachs, J. D. (2005). The end of poverty: Economic possibilities for our time. Penguin Press.
- Scott, J. C. (1998). Seeing like a state: How certain schemes to improve the human condition have failed. Yale University Press.
- Sen, A. (1999). Development as freedom. Oxford University Press.
- Skocpol, T. (1979). States and social revolutions: A comparative analysis of France, Russia and China. Cambridge University Press.
- Yiftachel, O. (2006). Ethnocracy: Land and identity politics in Israel/Palestine. University of Pennsylvania Press.
- World Bank. 2020b. "World Development Indicators." Data available at:
<https://datacatalog.worldbank.org/dataset/worlddevelopmentindicators>
GovernanceGrowth and Development Decision-making. World Bank

منابع اینترنتی

- World Bank – Governance Indicators
<https://info.worldbank.org/governance/wgi/>
- UNDP Human Development Reports – Iran Country Profile
<https://hdr.undp.org/data-center/specific-country-data#/countries/IRN>
- Freedom House – Iran Country Report
<https://freedomhouse.org/country/iran/freedom-world/2023>
- Transparency International – Iran Corruption Perception Index
<https://www.transparency.org/en/countries/iran>
- Chatham House – Iran and the future of regional order
<https://www.chathamhouse.org/2023/09/iran-and-future-regional-order>
- Brookings Institution – Rethinking Iran's political economy
<https://www.brookings.edu/articles/irans-political-economy/>
- Carnegie Middle East Center – Iran's rentier economy
<https://carnegie-mec.org/2021/07/27/iran-s-rentier-economy-pub-85052>
- IMF – Islamic Republic of Iran: Country Data and Reports
<https://www.imf.org/en/Countries/IRN>
- Nassim Nicholas Taleb – Official Website and Writings
<https://www.fooledbyrandomness.com/>



- World Inequality Database – Iran <https://wid.world/country/iran/>
- OECD – Fragile States and Institutions
<https://www.oecd.org/dac/conflict-fragility-resilience/>
- International Crisis Group – Iran Reports
<https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iran>
- RAND Corporation – Iran’s Strategic Calculations
<https://www.rand.org/topics/iran.html>
- Global Economy – Iran: Political Stability and Economic Indicators
<https://www.theglobaleconomy.com/Iran/>
- Center for Strategic and International Studies (CSIS) – Iran Analysis
<https://www.csis.org/regions/middle-east/iran>
- Wilson Center – Middle East Program: Iran
<https://www.wilsoncenter.org/program/middle-east-program>
- Atlantic Council – Iran Strategy Papers
<https://www.atlanticcouncil.org/region/middle-east-north-africa/iran/>
- United Nations ESCWA – Governance and Institutional Reform
<https://www.unescwa.org/sub-site/governance>
- OpenDemocracy – Iran’s political elites and structural deadlocks
<https://www.opendemocracy.net/en/north-africa-west-asia/iran-political-elites-crisis/>
- Arab Reform Initiative – Iran and elite politics
<https://www.arab-reform.net/publication/iran-political-system-and-elite-cohesion/>
- Project Syndicate – The Iranian Development Paradox
<https://www.project-syndicate.org/commentary/iran-economic-paradox-by-djavad-salehi-esfahani-2020-03>
- Council on Foreign Relations (CFR) – Iran’s Political System
<https://www.cfr.org/background/irans-political-system>
- BBC Country Profile – Iran
<https://www.bbc.com/news/world-middle-east-14541327>
- Encyclopaedia Britannica – Iran: Government and Society
<https://www.britannica.com/place/Iran>
- Library of Congress – Country Studies: Iran
<https://www.loc.gov/item/94043081/>



- Foreign Affairs – The Future of Iran
<https://www.foreignaffairs.com/iran>
- MEI (Middle East Institute) – Iran’s Political Economy
<https://www.mei.edu/topics/iran-political-economy>
- PEW Research Center – Public Opinion and Governance in Iran
<https://www.pewresearch.org/topic/international-affairs/middle-east-north-africa/iran/>
- Iran Data Portal – Princeton University <https://irandataportal.syr.edu/>
- Human Rights Watch – Iran Governance and Accountability
<https://www.hrw.org/middle-east/n-africa/iran>
- The Conversation – Iran’s Economic Crisis
<https://theconversation.com/global/topics/iran-235>
- Oxford Analytica – Iran’s elite politics and stability
<https://dailybrief.oxan.com/>
- ETH Zürich – Iran Country Risk Report <https://countryrisk.io/>
- Global Security – Iran Political Structure
<https://www.globalsecurity.org/military/world/iran/politics.htm>
- U.S. Department of State – Iran: Human Rights and Governance Reports
<https://www.state.gov/reports-bureau-of-democracy-human-rights-and-labor/>
- CIA World Factbook – Iran
<https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/iran/>
- Social Science Research Network (SSRN) – Papers on Iranian Political Economy <https://www.ssrn.com/>
- International IDEA – Democracy and Governance in Iran
<https://www.idea.int/>
- Iranian Studies Journal – Taylor & Francis
<https://www.tandfonline.com/loi/cist20>
- Google Scholar – Search results for “Iran + institutional development + rentier state” <https://scholar.google.com/>

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به آدرس <https://www.cbi.ir>

مرکز آمار ایران به آدرس <https://www.amar.org.ir>

گزارش‌های سالانه وزارت اقتصاد و دارایی ایران به آدرس <https://www.mefa.ir>

سازمان شفافیت بین‌المللی (Transparency International)

به آدرس <https://www.transparency.org>

صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی (World Bank)

آدرس سایت‌ها:

<https://www.imf.org>

<https://www.worldbank.org>

"Iran's Developmental Deadlock: A Path from Antifragility to Historical Stagnation"

Vorya Shabrandi

Knowledge of Master of International Relations University of Guilan University

Sajjad Bahrami Moghadam

Assistant Professor of International Relations, Department of Political Science,
University of Guilan

Abstract

This article analyzes the persistence of underdevelopment in Iran's political economy through the integration of three theoretical frameworks, offering a conceptual model to explain the structural deadlock. First, the new institutional theory highlights the crucial role of formal and informal institutions in shaping developmental paths. It demonstrates that instead of inclusive institutions, Iran's system is characterized by rent-seeking and monopolistic structures. Second, Nassim Nicholas Taleb's concepts of "antifragility" and "black swan power" provide a lens for analyzing how systems respond to shocks and crises. While resilient systems grow stronger through adversity, Iran's decision-making apparatus tends to react defensively, and elites are often insulated from the consequences of their decisions—lacking real "skin in the game." Third, Alireza Ghali's sociological analysis reveals how historical power blockage and the elimination of reformist elites have prevented modern institutionalization and the emergence of a developmental state. Collectively, the article argues that the combination of institutional inefficiency, the absence of antifragile mechanisms and transparency, the perpetuation of rentier economics, and the systematic removal of transformative elites has entrenched a self-reinforcing cycle of underdevelopment in contemporary Iran. Breaking this cycle requires structural institutional reform, equitable distribution of power, and mechanisms of accountability that bind decision-makers to the outcomes of their actions.

Keywords: Political Economy, Iran, Institutionalism, Antifragility, Black Swan Power, Historical Blockage, Underdevelopment

